

بازشناسی و تحلیل تغییرات و تحولات اجتماعی - فرهنگی فضاهای عمومی شهری تهران امروز^۱

بهاران تنکابنی*

پویان شهبان**، آتوسا مدیری***

چکیده

فضاهای عمومی شهری را می‌توان مهم‌ترین بستر شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی انسان‌ها و برآورده شدن بسیاری از نیازهای جوامع شهری دانست. امروزه این فضاها دچار تغییرات و تحولات گسترده‌ای شده‌اند که سبب شده تاحد زیادی از ماهیت اولیه خود فاصله گیرند و نتوانند آن گونه که باید پاسخ‌گوی نیازهای شهروندان باشند. باتوجه به این که از مهم‌ترین نیازهای انسان تعامل با فضای عمومی و مردم جامعه است، شناخت این فضاها، تغییرات، مسائل، و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش «نظریه مبنايي» تلاش دارد به بازشناسی تغییرات و تحولات فضاهای عمومی شهری تهران در عصر حاضر و بررسی و تحلیل مقوله‌های مرتبط با این فضاها بپردازد. به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین چالش این فضاها نبود «تعادل و عدالت» در ابعاد مختلف است. این فضاها را نمی‌توان فضاهایی متعادل و عادلانه دانست، زیرا هنوز به درجه نهایی از کیفیت، رضایت، و مطلوبیت نرسیده‌اند. فضاهای عمومی شهری تهران دچار چالش‌های متعددی شده‌اند، در مرحله گذار قرار گرفته‌اند، نتوانسته‌اند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند، در برقراری ارتباط با مخاطب دچار مشکل جدی هستند، با بستر و زمینه‌ای که در آن قرار دارند بیگانه‌اند، و قوانین و سیاست‌های حاکم متعادل و متناسبی ندارند.

* دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی
baharan.tonekaboni@gmail.com

** استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی
(نویسنده مسئول)، shahabian@iauctb.ac.ir

*** استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی
ato.modiri@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۲

کلیدواژه‌ها: فضای عمومی شهری، تهران، عصر حاضر، تغییرات، تحولات اجتماعی - فرهنگی.

۱. مقدمه

مسئله افزایش روزافزون جمعیت و رشد و توسعه شهرها، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، و نتایج و پی‌آمدهای اجتماعی آن، که آثار خود را در بروز مشکلات مختلف شهری ظاهر ساخته است، بی‌شک مهم‌ترین نگرانی دولت‌ها در آینده خواهد بود (سرور و امینی ۱۳۹۲: ۱۹). از آن‌جاکه انسان موجودی اجتماعی است و برای برقراری تبادلات اجتماعی خود نیازمند ظرفی مکانی و کالبدی است، تجلی نیازهایش در شهر به شکل‌گیری فضای عمومی شهری منجر شده است که در آن، روابط و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند (مسعود لواسانی ۱۳۹۳). لیکن روش‌های توسعه فعلی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی فضای شهری را مختل کرده است و در نتیجه کارکرد سنتی فضای شهر به‌منزله محل ملاقات و تبادل آرای اجتماعی شهروندان کاهش یافته، موردتهدید قرار گرفته، یا حذف شده است (گل ۱۳۹۴). بنابراین، به‌نظر می‌رسد فضاهای عمومی شهری به‌منزله مهم‌ترین عرصه شکل‌گیری زندگی اجتماعی و عمومی در شهرها نیازمند توجه بیش‌تر بازشناسی و بررسی و تحلیل هستند، به‌گونه‌ای که ضمن شناخت ماهیت واقعی آن‌ها، باید به تحلیل کیفیات، ویژگی‌ها، تغییر و تحولات و همچنین مسائل، مشکلات، و چالش‌های پیش‌رو نیز پرداخت؛ چراکه درغیراین‌صورت، امکان ارتقای کیفیت و تقویت ارتباط و تعامل مخاطبان با فضاها امکان‌پذیر نخواهد بود. ازاین‌رو در پژوهش حاضر، پس از شناسایی اهداف و پرسش‌های پژوهش، انواع فضاهایی که در شهرها تعریف شده‌اند به‌طور خلاصه ارائه و مفاهیم و ابعاد فضاهای عمومی و فضاهای عمومی شهری از دیدگاه نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران این حوزه جمع‌بندی شده‌اند. در بخش بعد، به بررسی و تحلیل تغییرات و تحولات این فضاها در دوره‌های مختلف پرداخته شده است، کیفیات، ویژگی‌ها، مسائل، و چالش‌های آن‌ها تبیین گردیده و فضاهای عمومی شهری تهران بررسی و تحلیل شده‌اند. در این مرحله، تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش نظریه‌مبنایی و استفاده از تکنیک‌های اسنادی، مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق، مفاهیم، مقوله‌های فرعی، اصلی، و هسته‌شناسایی و برمبنای نوع هر یک (شرایطی، تعاملی، پی‌آمدی، یا ترکیبی) با یک‌دیگر مرتبط شود و مدل و نظریه‌مبنایی شکل گیرد. در این پژوهش، تلاش خواهد شد که به پرسش‌های ذیل پاسخ گفته شود:

الف) فضاهایی که امروزه در تهران به‌عنوان فضای عمومی شهری مورد استفاده مراجعه‌کنندگان قرار می‌گیرند چه ویژگی‌هایی دارند؟

ب) فضاهای عمومی شهری تهران در طول زمان چه تغییرات و تحولاتی داشته و با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟

در همین راستا اهدافی که در پژوهش حاضر دنبال می‌شوند عبارت‌اند از:

الف) شناسایی و تبیین ویژگی‌های فضاهایی که امروزه در تهران به‌عنوان فضای عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛

ب) شناخت تغییرات و تحولات و چالش‌های اخیر در فضاهای عمومی شهری تهران.

پژوهش حاضر به‌لحاظ نوع پژوهش «بنیادی» محسوب می‌شود و استراتژی آن از نوع «استقرایی» است.^۳ در این پژوهش به‌منظور نیل به اهداف و پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، از روش «نظریه‌ی بنیادی» در حوزه پژوهش با «رویکرد کیفی» استفاده خواهد شد. از دیدگاه کوربین و اشتراس، این روش یک روش تحقیق کیفی است که به‌منظور دستیابی به چهار معیار: انطباق، قابلیت فهم، عمومیت، و کنترل ابداع شده است. رویه‌ها طوری طراحی شده‌اند که دقت تحلیلی و قاطعیت را فراهم می‌کنند. خلاقیت نیز عامل مهمی است که به پژوهش‌گر کمک می‌کند تا در مورد داده‌ها سؤال‌هایی را مطرح کند و با مقایسه‌هایی، به آگاهی درباره پدیده و تنظیم نظری داده‌ها برسد (Corbin and Strauss 2015) و از طریق تحلیل عبارات و مفاهیم به شناسایی مقوله‌های فرعی، اصلی، و هسته دست پیدا کند؛ به طوری که با ایجاد ارتباط میان آن‌ها بتواند به نظریه‌ی بنیادی برسد. می‌توان گفت مبنای اصلی دست‌یافتن به نظریه در این روش مراحل مختلف کدگذاری است. حدفاصل میان انواع کدگذاری تصنعی و غیرواقعی است و هرکدام از آن‌ها الزاماً در مراحل جداگانه‌ای صورت نمی‌گیرند (اشتراس و کوربین ۱۳۹۰: ۵۸).^۴ نظریه‌ی بنیادی به‌طور کلی از نظر پارادایمی و نظری بر اصول پارادایمی پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی و برساختی تفسیری استوار است (محمدپور ۱۳۹۲ الف: ۳۱۶-۳۱۷)؛ لیکن با توجه به این که این پژوهش بر مبنای یک گفتمان خاص انجام شده و در انتهای کار قرار است به نقد فضاهای عمومی شهری پرداخته شود و تعریف و گونه‌شناسی رویه‌ای در قالب هنجارها و باید و نبایدها نیز آورده شود، پارادایم پژوهش به‌طور کلی «تفسیری - انتقادی» خواهد بود.

۲. انواع فضا در شهرها

فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی دو کفه ترازوی زندگی شهری هستند و باید بین آن‌ها توازن و تعادل برقرار باشد (Gehl 2010). تفکیک فضای اجتماعی و فضاهای تحت تصرف ما به عرصه‌های عمومی و خصوصی یکی از مؤلفه‌های کلیدی درباره این است که اجتماع چگونه خود را سازمان‌دهی می‌کند. این تفکیک بر روح و روان و تجربیات فرد تأثیر دارد، رفتار او را نظم می‌بخشد و ساختاری بادوام برای جوامع بشری برپا می‌سازد (مدنی‌پور ۱۳۸۷: ۱۳). از جمع‌بندی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان فضا، می‌توان فضاهای شهری را به سه دسته زیر تقسیم کرد (مدنی‌پور ۱۳۸۷: ۸۸؛ پاکزاد ۱۳۹۵: ۷۷؛ دانشپور و چرخچیان ۱۳۸۶: ۱۹؛ بصیری مژدهی و خلیجی ۱۳۸۹: ۳۸؛ محمودپور ۱۳۹۳؛ راست‌بین و دیگران ۱۳۹۱؛ Akkarercan 2007):

۱. **فضای خصوصی:** فضای خصوصی بخش انفرادی درون فضای اجتماعی است. بخشی که فرد برای کنترل استفاده انحصاری خود آن را محصور می‌کند و به‌صورت خصوصی از سوی اشخاص تحت تصرف یا تملک و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. **فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی / شبه‌عمومی:** از دهه ۱۹۸۰ م به بعد، در ساختار فضایی شهرها انواع ویژه‌ای از فضاهای عمومی پدید آمده‌اند که فضاهای عمومی خصوصی شده یا فضاهای نیمه‌عمومی نامیده می‌شوند. این فضاها توسط نهادهای خصوصی ایجاد و تحت مالکیت و مدیریت آن‌ها قرار دارند و برخلاف هدف اولیه دولت در تأسیس آن‌ها، برای عموم در دسترس نیستند. این‌ها فضاهایی هستند که به‌علت محدودیت در هدف و کاربری آن، از سوی گروهی خاص از افراد استفاده می‌شوند.

۳. **فضای عمومی:** پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی، مستلزم وجود فضا و قرارگاه کالبدی است و فضای عمومی ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می‌شود. تا آن‌جا که می‌توان گفت شرط اصلی فضاهای عمومی این است که در آن‌ها تعامل و مراوده اجتماعی صورت گیرد و عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری داشته باشند. این فضاها به‌اندازه تاریخ زندگی انسان قدمت دارد و بخشی از جامعه هستند که می‌توان آن را در تمام جوامع انسانی اولیه به‌روشنی مشاهده کرد. می‌توان گفت فضاهای عمومی شهری یکی از عناصر مهم ساختار فضایی شهرها هستند که نقش مهمی در کیفیت زندگی و رفاه افراد ساکن در شهرها دارند.^۵

در بررسی دیدگاه‌ها و تعاریف نظریه‌پردازان مختلف درباره فضای عمومی شهری، به نظر می‌رسد در تمامی دوره‌ها بحث‌های درباره فضاهای عمومی شهری تأکید بیش‌تری بر حوزه اجتماعی این فضاها داشته‌اند و تلاش شده است که به مسئله تعاملات و ارتباطات اجتماعی میان انسان‌ها در سنین، طبقات، و فرهنگ‌های گوناگون با یک‌دیگر و با فضا پرداخته شود. لیکن تمامی فضاهای شهری در عصر حاضر با فرایندهایی چون صنعتی‌شدن، مدرنیزاسیون، و جهانی‌سازی مواجه شده‌اند و از اهداف اصلی خویش فاصله بسیاری گرفته‌اند. با بررسی براین تعاریف و مفاهیم مطرح‌شده در دوره‌های گوناگون و مقایسه آن‌ها با آنچه امروزه به‌عنوان فضای عمومی در شهرها مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که این فضاها حتی در معیارهای اولیه نظیر ارتباط با استفاده‌کننده، شیوه دسترسی و نوع مدیریت درزمره فضاهای عمومی شهری قرار نمی‌گیرند و قابلیت ارتقای جوانب اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی زندگی انسان‌ها را نخواهند داشت. برخی از این فضاها با نگاه تک‌بعدی عمدتاً اقتصادی توسط برخی اشخاص یا نهادها به سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف شهر پرداخته‌اند و با پرداختن به جذابیت‌های ظاهری، فضاهایی همگن را به تقلید از سایر کشورها به مردم تحمیل می‌کنند. این درحالی است که در برخی کشورها فضاهای عمومی شهری حقیقی نیز نتوانسته‌اند با حفظ رسالت خویش به رقابت با این به‌اصطلاح شبه‌فضاهای عمومی بپردازند و رفته‌رفته در جوامع رنگ باخته‌اند. لیکن این بدین معنا نیست که هیچ‌یک از فضاهای عمومی شهری موجود دارای ویژگی‌ها و معیارهای لازم نیستند. آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد دست‌یافتن به تعریفی است که فضاهای عمومی شهری در عصر حاضر می‌توانند داشته باشند نه صرفاً بیان ایده‌آلهایی که نظریه‌پردازان به آن پرداخته‌اند و می‌پردازند و شاید هیچ‌گاه به‌طور کامل در طول تاریخ تحقق پیدا نکرده‌اند.

۳. سیر تغییر و تحول تاریخی فضاهای عمومی شهری

به‌منظور بررسی تغییر و تحولات فضاهای عمومی شهری در طول زمان می‌توان دوران‌های باستان، قرون وسطی، رنسانس، و عصر حاضر را مدنظر قرار داد:

۱.۳ فضاهای عمومی شهری از دوران باستان تا پیش از عصر حاضر

آگورای یونان باستان یکی از معروف‌ترین فضاهای عمومی در تاریخ است که از آن به‌عنوان میدان عمومی شهر، محل گردهمایی مردم، و بیش از آن به‌عنوان یک فضا برای

بازار استفاده می‌شده است (Glutz 1965: 23). آگورا مکانی برای فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی در کنار سایر فعالیت‌ها و ظرفی فراگیر برای زندگی اجتماعی شهر تلقی می‌شده است (Lawrence and Tomlinson 1996: 191). در شهرهای رومی، هسته اصلی شهر را فروم شکل می‌دهد که ترکیبی از آکروپولیس و آگورای یونانی است و شامل فضاهای باز، بسته، و نیمه‌بسته با کارکردهای بازار، جلسات مذهبی، اتفاقات سیاسی، ورزشی، و جلسات غیررسمی می‌شود (Carr et al. 1993: 53). در قرون وسطی با وجود تخصصی شدن فضاها و جداسازی آن‌ها به لحاظ عملکردی، استفاده از فضای عمومی برای زندگی عمومی رونق داشت. میدان شهر با استفاده از فواره‌ها، یادبودها، مجسمه‌ها، و دیگر آثار هنری تزئین شده بود و در جشن‌های عمومی، رژه و تبادل کالا و خدمات‌رسانی از آن بهره گرفته می‌شد (Sitte 1986: 151-154). اغلب تنها فضای عمومی در قرون وسطی فضای عمومی برنامه‌ریزی شده جلوی کلیسا برای ورود و خروج جمعیت و بازارها بود (Webb 1999: 40-41)، به نقل از اشرفی و پوراحمد ۱۳۹۴: ۱۵۵؛ Saalman 1968: 28). در قرون وسطی برای نخستین بار، بیش تر ساکنان شهر آزاد بودند و «ساکن شهر» و «شهروند» یک معنای واحد داشتند (Mumford 1961: 316). می‌توان گفت در این دوران فضاهای عمومی برای جنبش‌های عمومی، اقدامات دولتی، و مبادله کالا و خدمات استفاده قرار می‌شدند. تا این که در چند قرن بعد، با وقوع انقلاب صنعتی، رشد مناطق شهری و اجرای اقدامات برنامه‌ریزی شده شهری آغاز شد (Lopes and Camanho 2013: 755). برنامه‌ریزان و معماران حرفه‌ای که در مورد ساخت شهرها نظریه‌پردازی کردند و در نهایت به جنبش رنسانس منجر شدند؛ بدین ترتیب که طراحی شهر از شیوه رشد طبیعی خارج شد و به شکل یک اثر هنری مطرح شد. کل شهر اثری بود که به صورت واحد و یک‌پارچه مشاهده و ساخته می‌شد (Gehl 1996, cited Carmona et al. 2003). عرصه عمومی در دوران رنسانس و باروک جلوه‌ای از دربار سلطنتی، قدرت روبه‌رشد حکومت سکولار، و ظهور عصر خرد بود (مدنی‌پور ۱۳۸۷: ۲۲۹). فضاهای عمومی اولیه که در این دوره پدید آمدند مکان‌های شهر-کانونی بودند که عناصر آگورا را منعکس می‌کردند (Orum and Neal 2010: 7). نمونه‌هایی از فضاهای شهری طراحی شده به شکل میدان‌ها و فضاهای جمعی عمومی، شبکه خیابان‌ها و معابر، توسعه شهرهای موجود، و بازسازی برج و باروها و قلعه‌ها قابل توجه است (Kostof 1991, cited Carmona et al. 2003). به‌طور کلی فضاهای عمومی این دوران طیفی متغیر از کاربردها از فعال تا کاملاً نمادین را دربرگرفته بود و

به‌عنوان مکانی برای گردهمایی عمومی، ملاقات، و گفت‌وگوی افراد و به‌بیانی دیگر مکان مبادله عقاید، پرسه‌زنی و تماشاکردن، انجام فعالیت‌های اجتماعی از طریق نمایش باشکوه لباس، و رفتار، اعتراض و مقاومت و گاهی کارکردهای نمادین و اهداف تشریفاتی عمل می‌کنند (اشرفی و پوراحمد ۱۳۹۴: ۱۶۲).^۶

۲.۳ فضاهای عمومی شهری در عصر حاضر؛ کیفیت، ویژگی‌ها، و چالش‌ها

از دیدگاه سنت در اواخر قرن هفدهم تقابل خصوصی و عمومی کم‌رنگ می‌شود. در اوایل قرن هجدهم در پاریس و لندن احساس انسانی که عمومی بود و مکانی که در بیرون و در حوزه عمومی قرار داشت گسترش یافت. با گذشت زمان، واژه عمومی معنای مدرن پیدا کرد: قلمرو عمومی آشنایان و غریبه‌ها، شامل طیف گسترده‌ای از افراد مختلف و نه فقط به‌معنای زندگی اجتماعی جدا از قلمرو خانواده و دوستان نزدیک محسوب می‌شد (Sennett 1977: 16-17). مفهوم فضای عمومی که امروز به‌کار گرفته می‌شود در مفاهیم مدرن ریشه دارد که از قرن هجدهم ظهور پیدا کرده‌اند و جامعه را به‌مثابه قلمروی برای انعقاد ارتباط بین غریبه‌ها قلمداد می‌کند (مدنی‌پور ۱۳۸۷: ۲۶۴). در قرن نوزدهم با رشد شهرنشینی و سرمایه‌داری، مقیاس و سرعت تحولات شهری تغییر کرد، محدودیت‌های ساخت‌وساز از بین رفت و مقیاس تغییرات محیط با توسعه صنعت و بهره‌گیری از مصالح و روش‌های جدید ساخت‌وساز دچار تحول شد. در این شرایط، مدرنیسم و نوگرایی در معماری و برنامه‌ریزی شهری پایان قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم شکل گرفت (Carmona et al. 2003). در ابتدای قرن بیستم با رشد جنبش‌ها و اندیشه‌های گوناگون، تلقی از مفهوم فضای شهری دست‌خوش دگرگونی شد (مسعود لواسانی ۱۳۹۳). فضاهای عمومی در شهرهای اروپایی تا قبل از دهه ۱۹۸۰ م، نقش‌های مختلفی را شامل نقش‌های کالبدی، اکولوژیکی، روان‌شناسی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نمادین، و زیبایی‌شناختی ایفا می‌کردند که این نقش‌ها و ویژگی‌ها از این دهه به بعد دچار تحول شده است (Akkarercan 2007). در شهرها تحولات بسیاری صورت گرفته و فضای عمومی بسیاری از عملکردهای خود را در زندگی اجتماعی انسان از دست داده است. امروزه فضای عمومی از دورانی که به‌علت تمرکز اجتماعی در شهرها اهمیت آن روزبه‌روز بیش‌تر می‌شد، به دورانی که مکان‌ها و فعالیت‌ها از الگوهای فضایی پراکنده‌تری پیروی می‌کنند، در حال تحول است (Madanipour 1999). با رشد

شهرها و گسترش شبکه‌های ارتباطی مستقل از کنترل حاکمان، مکان‌ها به‌عنوان محل ملاقات غریبه‌ها گسترش یافتند. در این دوران، شکل‌گیری پارک‌های شهری بزرگ و خیابان‌هایی با هدف پیاده‌روی و پرسه‌زنی، تبدیل قهوه‌خانه‌ها، کافه‌ها، و مسافرخانه‌ها به مراکز اجتماعی، بازشدن تئاترها و اپراها به روی عموم مردم، تسری تفریحات شهری از بخش کوچکی از جامعه به طیف گسترده‌ای از جامعه، و گسترش اجتماع‌پذیری در اقشار مختلف اتفاق افتاد. بدین ترتیب الگوهایی از تعاملات اجتماعی رشد پیدا کردند که مناسب برای ایجاد ارتباط میان غریبه‌ها بودند، به ارگان خاصی وابستگی نداشتند و تحت کنترل انحصاری دولت نیز نبودند (Sennett 1977: 17-18). در این شرایط، شکل اجتماعی و فضایی شهر نیز در طول تاریخ دگرگون می‌شود، توجه و تمرکز فعالیت در شهرها از بخشی به بخش دیگر منتقل می‌شود، فضای عمومی به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد و فراموش می‌شود (مدنی‌پور ۱۳۸۷). کرمونا (2010) معتقد است از آن‌جا که فضاهای عمومی شهری جامعه را و جامعه نیز فضاهای عمومی شهری را شکل می‌دهند، ماهیت آن‌ها به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و فضایی پیچیده‌ای است که در آن تولید می‌شوند. اغلب مطالعات پژوهشی به همگن‌سازی فضای عمومی، افول فیزیکی آن، و گرایش‌های موجود در حوزه‌های خصوصی‌سازی، تجاری‌سازی، و انحصارسازی اشاره دارند. می‌توان یقین داشت که در این عصر، تکاملی در فضای عمومی تجربه شده که آن را در حال سازش پیدا کردن با موانع و فشارهای جهانی و محلی، که تا قبل از آن فضای عمومی مجبور به مواجهه با آن‌ها نبود، قرار داده است و همین امر فشارهای بسیار زیادی را بر تجربه محلی آن فضا وارد کرده است. محیط‌های شهری در سال‌های اخیر به‌طور چشم‌گیری تغییر کرده‌اند، از اهمیت مکان کاسته شده است و این امر به دلیل تغییر شیوه حمل‌ونقل و نحوه ارتباط بین مکان‌های جغرافیایی صورت گرفته است. سرعت جهانی شدن و تحولاتی نظیر آن افزایش یافته است و پیشرفت‌های به‌دست‌آمده در زمینه ارتباطات الکترونیک حرکت فیزیکی انسان‌ها را غیرضروری ساخته است (Carmona et al. 2003).

فضاهای عمومی جدید تجاری شده‌اند. فروش خیابان‌های عمومی توسط نهادهای عمومی به‌منظور افزایش منابع مالی نمونه‌ای از خصوصی‌شدن و تجاری‌شدن فضاهای عمومی است. ایجاد فضاهای عمومی منحصربه‌فرد و مرفه برای افزایش موفقیت

مجتمع‌های سرگرمی - تفریحی، اداری، مسکونی، و تجاری و فضاهای عمومی مانند بوستان‌های موضوعی، مراکز خرید منطقه‌ای و کلان، که به منظور حفظ مراجعه‌کنندگان و افزایش مصرف طراحی شده‌اند، نمونه‌هایی از تجاری‌شدن و کالایی‌شدن فضاهای عمومی هستند. خصوصاً کردن، کالایی‌کردن، و تجاری‌کردن فضاهای عمومی کنترل را بر فضاهای عمومی افزایش داده است و در نتیجه، به ناهماهنگی بین نقش‌های آن‌ها و تأکید بر نقش‌های اقتصادی، نمادین، و زیبایی‌شناختی منجر می‌شود (Akkarercan 2007).

اسکات لث (جامعه‌شناس انگلیسی) به بررسی و تحلیل شهرهای بزرگ مدرن و پسامدرن امروز پرداخته است و تغییراتی را که در سازمان فضای عمومی سبب می‌شوند در موارد زیر خلاصه می‌کند (مهدی‌زاده ۱۳۹۲: ۲۶):

۱. توسعه پهنه‌های تجاری متمایز؛
۲. تغییر شکل روابط اجتماعی؛
۳. مرکزیت نوین شبکه راه‌ها؛
۴. گسترش الگوی شطرنجی؛
۵. سازمان‌دهی فضاهای عمومی.

از سوی دیگر، نمونه‌های بسیاری نیز وجود دارند که نشان می‌دهند فضای عمومی به تدریج به بسیاری از جاه‌طلبی‌های بلندپروازانه‌ای، که اکثر مطالعات برای آن‌ها در نظر دارند، دست می‌یابند: مکانی برای مردم‌سالاری، تبادلات فرهنگی و اجتماعی، و آسایش کامل به هم‌راه خلاقیت‌های طراحی. شیوه‌های مدیریتی به‌طور حتم نقش کلیدی در هریک از تجربیات فضایی متضاد و عوامل وابسته به آن دارد و تأثیر مثبت یا منفی ناشی از چشم‌انداز پیچیده فضاهای عمومی را به هم‌راه دارد. نقش‌ها و مسئولیت‌های مدیریتی در این فضاها سهیم بوده و قطعاً با آن‌ها در ارتباط هستند. به‌طور کلی، گسترش روندهای جهانی‌سازی، فرهنگ غالب، و نبود حس تعلق به مکان از آثار قابل‌توجه در فضاهای عمومی شهری این عصر است. در نهایت می‌توان با اطمینان گفت تکاملی در فضای عمومی تجربه کرده‌ایم که در حال سازش‌یافتن با موانع و فشارهای جهانی و محلی است که فضای عمومی با بسیاری از آن‌ها پیش‌تر مجبور به رویارویی نبود و همین امر اغلب فشارهای بسیار زیادی را بر تجربه محلی آن فضا اعمال کرده است (Carmona 2010 Carmona et al. 2003: 101-102;)^۷.

۴. فضاهای عمومی شهری در تهران

تهران شهری است با تاریخ چندهزارساله که به عقیده برخی از تاریخ‌شناسان قدمت آن به هزاره‌های پنجم تا هفتم قبل از میلاد بازمی‌گردد (مهدوی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۴: ۱۱). تهران به‌عنوان مرکز سیاسی کشور، بیش از یک شهر بزرگ و پرجمعیت است که رشد ناموزون و نامتعادل و تنوع قومی و مهاجرپذیری گسترده وجه ممیزه آن از دیگر شهرهای بزرگ کشور است. تراکم سرمایه‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگی، تراکم سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی و نمادین، تحرک و رقابت اجتماعی بالا، تنوع سبک‌های زندگی و بسیاری از ویژگی‌های دیگر معنای فرهنگی تهران را به‌مثابه فضا و مکانی زیسته در ذهن ساکنان و غیرساکنان آن بسیار متمایز می‌سازد (آذری ۱۳۹۲: ۹). شناخت تهران مستلزم دانستن نقش تاریخی - فرهنگی آن در مقیاس جهان و تحولات جهانی و درک مقیاس واقعی زندگی اهالی این شهر است (بهشتی ۱۳۹۵: ۴۷-۴۸). به‌دست‌آوردن تصویر منسجم و خاطره‌انگیز از تهران مستلزم فهم تاریخ، جغرافیا، زمین‌شناسی، مردم‌شناسی، و ارتباطات این شهر است که همگی در قالب یک تصور منسجم و واحد به‌هم بافته شده باشند و مستلزم به‌جا‌آوردن زندگی به‌گونه‌ای است که در پیاده‌روهای این شهر در جریان است (همان: ۴۸). شهر مدرن در عناصری چون بازار، خیابان، و میدان خود را نمایش می‌دهد (حیبی ۱۳۹۳: ۳۲). اندیشه‌های نو و نوپردازانه به‌دنبال گسست تاریخی از انسان گذشته، شخصیت انسان مدرن را به‌منزله یکی از دو شخصیت اصلی قصه شهر تهران تعریف می‌کند؛ انسانی که با گسست از جایگاه کهن و تاریخی‌اش همه‌چیز را مبنای ادراک، خرد، و منافع خود بازتعریف و در نتیجه ارزش‌ها، هنجارها، و حتی نظام اخلاقی جدیدی را مطالبه می‌کند (همان: ۱۵). مشکلات و نارسایی‌ها چون کمبود فضاهای عمومی شهری در بیش‌تر نواحی شهر بزرگ تهران و توزیع ناعادلانه آن نیز عامل کاهش کیفیت زندگی افراد ساکن در این شهر است (محمودپور ۱۳۹۳: ۷). فضاهای شهری نه‌فقط نقشی مهم در ارتقای کیفیت محیط شهری دارند، بلکه نقشی مهم و سرنوشت‌ساز در سلامت جسم و روان مردمی دارند که در شهرها زندگی می‌کنند. اهمیت و حساس‌بودن موضوع زمانی بیش‌تر می‌گردد که موضوع به بزرگ‌شهرهایی چون تهران مربوط می‌شود که افزون‌بر جنبه‌های مثبت خود دارای گستره‌ای از مشکلات پیچیده و متنوع در انواع مختلف رفتاری، جسمی و روانی مرتبط با افراد ساکن در نواحی مختلف این بزرگ‌شهر در گروه‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی مختلف است (همان).

ظهور عناصری چون سینما، کافه، اتومبیل، خیابان، پارکینگ، میدان، بلوار، حضور محله‌های بدنام در شهر، شکست ارزش‌های سنتی و شکل‌گیری فضاهای تازه در شهر، تقابل ارزش‌ها و اعتقادات، و تبدیل شهر به محلی برای تفریح، گشت‌وگذار و پرسه‌زنی بی‌هدف از جمله تحولاتی است که در این سال‌ها در تهران شکل می‌گیرد (حبیبی ۱۳۹۳). امروزه نباید منتظر بود تا عرصه عمومی تنها در فضاهای عمومی سنتی مانند خیابان‌ها، میدان‌ها، پلازاها، و موارد مشابه شکل بگیرد، بلکه حوزه عمومی جدید نه فقط در مکان معمول شهر، بلکه معمولاً در داخل یا اطراف فضاهای میانی نیز استقرار می‌یابد. در این مکان‌ها ساکنان جهان‌های مختلف شهر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (Hajer and Reijndrop 2001: 128). فضاهای تجاری شهر تهران پس از چندین دوره، تحولات گسترده و پیدایش فرم‌های جدید کالبدی و فضاهای نوین زندگی، هم‌زمان با تشدید فرایندهای ظهور فضاهای تجاری جدید و افول مراکز قدیمی خرید، پا به جهانی متفاوت می‌گذارد. فضاهای تجاری جدید این‌بار در خارج از شهر تهران امتداد می‌یابد. تصویر ذهنی خرید بر عمل خرید و لذت خرید بر منفعت خرید فائق می‌آید و نامکان خرید در شهر تهران شکل می‌گیرد (آذری ۱۳۹۲: ۱۴۵).

با این‌که زمان زیادی از شهرشدن تهران نمی‌گذرد، این شهر دچار تغییرات و دگرگونی‌های بسیار زیادی شده است. رضاخان، پرچمدار نوگرایی و دگرگونی سازمان زیست و تولید، در اولین برخورد دگرگونی شهر تهران را در رأس برنامه‌های خود قرار داد. بنابراین، روند مدرنیزاسیون در دوران پهلوی از ساخت‌وساز ساختمان‌های اداری و فروشگاه‌های بزرگ برای خرید تا زندگی آپارتمانی افراد شروع شد (یوسفی ۱۳۸۱، به‌نقل از مهدوی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۴). اقدامات نوآورانه (مدرنیستی) در دهه اول قرن چهاردهم به شهر مدرن چهره می‌بخشد، همان‌گونه که دولت مدرن را نیز معنا می‌کند. شهر مدرنیزه (نوپرداز) تعریف می‌شود و رفتارها و هنجارهای شهری دگرگون و تصور از شهر متفاوت می‌شود (حبیبی ۱۳۹۳). تهران امروز را بدون توجه به پدیده‌های مدرن آن نمی‌توان شناخت. تجربه زندگی در تهران همان تجربه مدرنیته است که اصطلاح و ایده‌ای الهام‌گرفته از مارشال برمن است، با این ویژگی که در هر مکان و زمان جغرافیایی تاریخی بی‌مانند و ویژه است (آذری ۱۳۹۲: ۱۸-۱۹). بعد از آن، از دهه ۱۹۶۰ به بعد رشد پست‌مدرنیستی در شهرسازی تهران مشاهده می‌گردد، اما نه به‌طور منسجم، بلکه تنها نشانه‌های شهرسازی پست‌مدرن فقط به‌صورت لکه‌هایی در معماری ساختمان‌های

تهران دیده می‌شود؛ چراکه یکی از موارد بسیار مهم در شهرسازی پست‌مدرن سازمان‌دهی فضایی مناسب با فضای اجتماعی و فرهنگ و سنتی شهر است، درحالی‌که در تهران هنوز نمودی از این تغییرات پدید نیامده است. بنابراین، دیده می‌شود که تغییرات ایجادشده در شهر تهران باعث یک روند مدرنیزاسیون و پست‌مدرنیزاسیون شده است. یعنی شکل سنتی تهران کم‌کم در حال از بین رفتن است. منظور از شکل سنتی تهران این است که بسیاری از نشانه‌های شهری تهران که مردم با آن مأنوس بوده‌اند در حال نابودی است (مهدوی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۴). بر این اساس، مفهومی جدید از شخصیت شهر تهران نمایان می‌شود: شهر به‌عنوان مکان تقابل‌ها: تقابل شهر جدید با شهر قدیم، نظم هندسی جدید در تقابل با نظم قدیم، باورهای جدید در مقابل باورهای قدیم، شهر در تقابل با حومه و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه روستایی، خیابان جدید در تقابل با گذرگاه‌های قدیم، انقطاع و گسست در تقابل با تداوم، انسان متجدد در تقابل با انسان سنتی و ... (حبیبی ۱۳۹۳). می‌توان گفت در پیوند میان فضا و زمان، تحولات و تغییرات فضاهای شهری بیان‌گر نوع و میزان تأثیرگذاری اندیشه‌های مدرنیستی در شهر تهران تلقی می‌شود. بر این مبنا، تهران از زمانی که به یک شهر تبدیل می‌شود، بستر تاریخی تحولاتی قرار می‌گیرد که امکان روی‌دادن مدرنیته و تجربه همگانی آن را فراهم می‌کند. بدین ترتیب، روایت‌های ممتد از کالبد و کاربرد فضاهای شهری در چند دوره منقطع تاریخی می‌تواند گونه‌ای از تاریخ‌نگاری فضایی باشد؛ تاریخی که اساساً توسط فضاهای شهری روایت می‌شود و حافظه جمعی یک مکان با گذشت زمان آن را به‌خاطر می‌سپارد (آذری ۱۳۹۲: ۱۴).

۵. یافته‌ها و نتایج پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش از یک سو کلیه فضاهایی را شامل می‌شود که امروزه در کلان‌شهر تهران، به تفکیک سه منطقه شمال، جنوب و مرکز شهر^۱ به‌عنوان فضای عمومی استفاده می‌شوند. در پژوهش حاضر، علاوه بر مشاهده مشارکتی فضاهای عمومی شهری، که بیش‌تر مورد استفاده شهروندان قرار می‌گیرند، با ۲۱ نفر از ساکنان شهر تهران به تفکیک سه منطقه بالا، وسط، و پایین شهر مصاحبه عمیق و باز و در برخی موارد نیمه‌ساخت یافته انجام شده است. از طریق استخراج و تحلیل مقوله‌ها می‌توان دریافت مخاطبان فضاهای عمومی شهری تهران چه دریافتی از ماهیت، کیفیات،

ویژگی‌ها، تغییرات، تحولات، مسائل و چالش‌های این فضاها دارند و توقع و انتظارات آن‌ها در ارتباط با فضاهای عمومی شهری تهران چیست. به نظر می‌رسد برای این‌که تمامی مفاهیم و مقولات استخراج‌شده تحت پوشش یک مقوله کلی قرار داده شود، می‌توان مقوله هسته را با عنوان «تعادل و عدالت در فضاهای عمومی شهری» نام‌گذاری کرد. به بیان دیگر، زمانی که در فضاهای عمومی شهری تهران در تمامی زمینه‌ها و ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و ... تعادل، هماهنگی، و عدالت برقرار باشد، می‌توان گفت که درحقیقت تمامی یازده مقوله شرح‌داده‌شده تحقق یافته‌اند. از آن‌جا که این مقوله تعریف و مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد، می‌توان آن را در راستای سایر مقولات استخراج‌شده زیر شرح و بسط داد:

۱. **برابری:** مقوله «تعادل و عدالت» و «برابری» با یک‌دیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند و حتی در برخی موارد می‌توانند جای‌گزین یک‌دیگر شوند و معادل هم به کار روند. فضایی که در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و دسترسی برای مخاطبانش برابری ایجاد کند فضایی متعادل و عادلانه خواهد بود.

۲. **آرامش و آسایش:** زمانی که فضای عمومی شهری راحت، خلوت، پاک، باکیفیت، و ایمن باشد و در یک کلام «آسایش جسمی» و «آرامش روحی» برای استفاده‌کنندگان فراهم کند، به تعادل و عدالت در این زمینه دست یافته است.

۳. **تنوع:** همان‌گونه که پیش‌تر شرح آن رفت، فضاهای عمومی شهری باید در دو بعد متنوع باشند: اول، تنوع فضایی (تنوع در نوع و عملکرد) و دوم، تنوع مخاطب (تنوع در انواع مخاطب و تنوع ارتباطی). فضایی متعادل و عادلانه است که در تمامی زمینه‌های مطرح‌شده پاسخ‌گوی تنوع موردنیاز باشد.

۴. **ارتباط و تعامل:** در بحث ارتباطات و تعاملات، فضایی موفق است که با برقراری عدالت و تعادل در دو سطح ارتباط و تعامل مخاطبان با یک‌دیگر (غریبه و آشنا) و ارتباط مخاطبان با فضا (فضای مصنوع و طبیعی و هم‌چنین ارتباط تجاری) بتواند تمامی انواع ارتباط را برای همه مردم فراهم کند.

۵. **تصویر ذهنی و معنا:** یکی از مباحثی که فضاهای عمومی شهری باید بدان دست پیدا کنند تا بتوان آن‌ها را فضاهای متعادل و عادلانه دانست ایجاد ارتباط و درک متقابل با ذهن استفاده‌کننده و معنادارکردن فضاهای طبیعی و مصنوع برای اوست.

۶. **گرایش:** باتوجه به این که افراد مختلف در جوامع شهری گرایش‌های متنوع دارند و فضاها نیز بر مبنای انواع مختلف گرایش (نیاز و علاقه حقیقی، نیاز مصرفی و تحمیلی، دسترسی / زمان و مکان) با شهروندان ارتباط برقرار می‌کنند، فضاهای عمومی شهری باید در پاسخ‌گویی به انواع گرایش‌ها متعادل و عادل باشند.

۷. **آگاهی:** فضاهای عمومی شهری متعادل و عادلانه فضاهایی هستند که بتوانند به یکی از مهم‌ترین رسالت‌های فضای عمومی یعنی آگاهی‌بخشی در سه زمینه آگاهی در راستای نحوه تعامل و حفظ فضا، آموزش و کسب دانش و آگاهی در خصوص نیاز به فضا دست یابند.

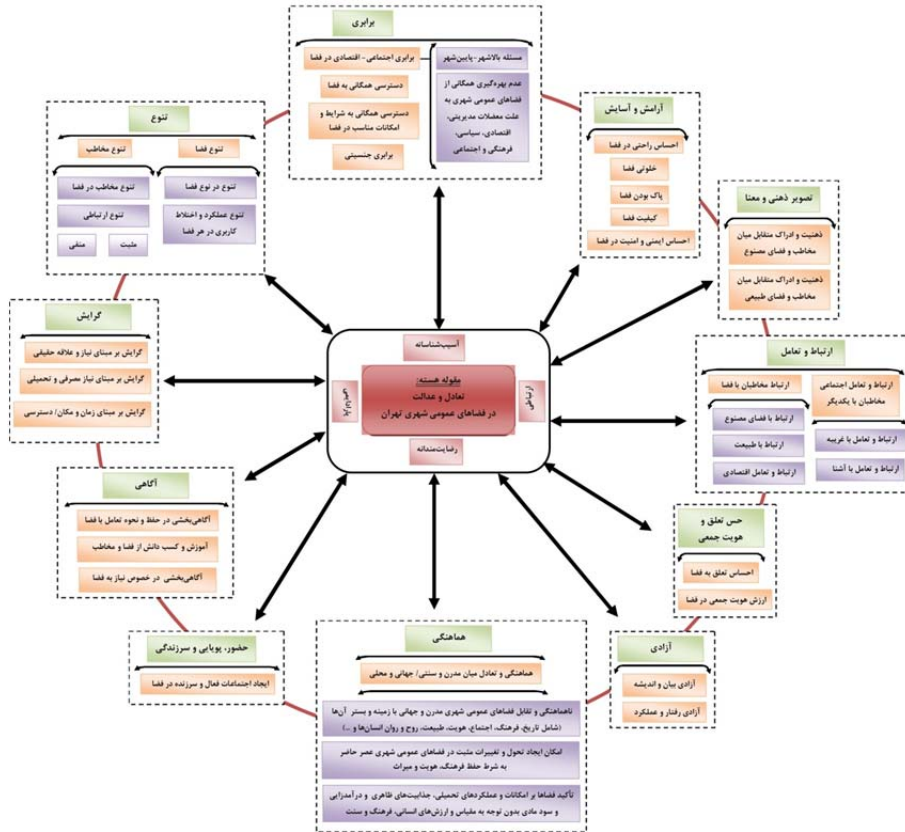
۸. **حس تعلق و هویت جمعی:** ارتباط و تعامل مخاطب با فضای عمومی شهری در صورتی ارزش‌مند، متعادل، و عادلانه خواهد بود که فضا توانسته باشد در ارتباط با فرد و جامعه احساس تعلق و هویت جمعی ایجاد کند.

۹. **هماهنگی:** این مقوله نیز با مقوله هسته (تعادل و عدالت) به‌ویژه از بعد پارادایمی ارتباط بسیار نزدیکی دارد. فضایی که بتواند میان مفاهیم و فرایندهای مدرن و سنتی و همچنین جهانی و محلی، تعادل، هماهنگی، و عدالت ایجاد کند، توانسته است با مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تغییرات عصر حاضر در جهت مثبت و مفید همراه شود.

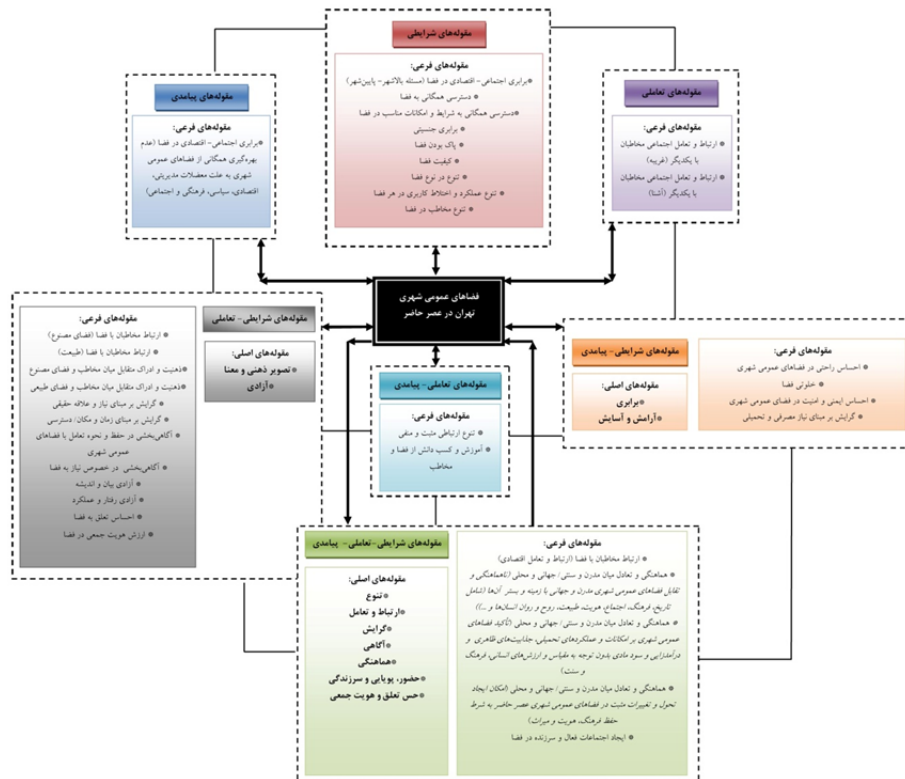
۱۰. **آزادی:** یکی از مظاهر عدالت در جوامع وجود آزادی در فضاهای عمومی در دو بعد «بیان و اندیشه» و «رفتار و عملکرد» است. بنابراین، برای دست‌یافتن به تعادل می‌بایست میان این مفهوم (آزادی) و کنترل فضاها هماهنگی و توازن ایجاد شود.

۱۱. **حضور، پویایی، و سرزندگی:** در نهایت می‌توان گفت فضای عمومی شهری که حقیقتاً متعادل و عادلانه باشد باید بتواند برای مردم فضایی را سرشار از فعالیت، شادی و نشاط، نوآوری و خلاقیت، تفریح و سرگرمی، و به‌طور کلی فضایی حضورپذیر، پویا، و سرزنده ایجاد کند.

در نمودار ۱، تمامی مقوله‌های فرعی و زیرمقوله‌ها و ارتباط آن‌ها با مقوله هسته نشان داده شده است. گفتنی است که مقوله هسته یعنی تعادل و عدالت در فضاهای عمومی شهری چهار بعد آسیب‌شناسانه، رضایت‌مندان، ارتباطی، و پارادایمی دارد که نشان‌دهنده این است که از چه دیدگاهی به ارتباط بین مقولات با یک‌دیگر در فضاهای عمومی شهری تهران پرداخته شده است. نمودار ۲ نیز نمایش‌دهنده نوع مقوله‌ها (شرایطی، تعاملی، پی‌آمدی، یا ترکیبی از این انواع) و چگونگی ارتباط آن‌ها با پدیده اصلی مورد پژوهش، یعنی فضاهای عمومی شهری تهران در عصر حاضر است.



نمودار ۱. نمایش مقوله‌های فرعی، اصلی، و هسته در فضاهای عمومی شهری تهران در عصر حاضر



نمودار ۲. نمابر انواع مقوله‌های اصلی و فرعی در ارتباط با فضاهای عمومی شهری تهران در عصر حاضر

۶. نتیجه‌گیری

از آن‌جاکه فضاهای عمومی شهری امروز در معرض تحولات گسترده و جهانی قرار گرفته و در نتیجه دچار مسائل و مشکلاتی شده‌اند، فضاهای عمومی شهری قدیم با قرار گرفتن در جریان این دگرگونی‌ها، بعضاً ماهیت و عملکرد جدید پیدا کرده یا دچار مشکلات ناشی از دوران گذار شده‌اند. از سوی دیگر، فضاهای عمومی شهری جدیدی مانند مال‌ها، پارک‌های موضوعی، و ... پدید آمده‌اند که به لحاظ تئوری فاصله زیادی با تعاریف کلاسیک دارند. به نظر می‌رسد در تمامی دوران‌ها، بحث‌های مربوط به فضاهای عمومی شهری تأکید بیشتری بر حوزه اجتماعی این فضاها داشته و تلاش کرده‌اند به مسئله تعاملات و ارتباطات اجتماعی میان انسان‌ها در سنین، طبقات، و فرهنگ‌های گوناگون با یک‌دیگر و با فضا بپردازند. لیکن تمامی فضاهای شهری در عصر حاضر با فرایندهایی چون صنعتی‌شدن، مدرنیزاسیون، و جهانی‌سازی مواجه شده و از اهداف اصلی خویش

فاصله بسیاری گرفته‌اند. با بررسی برابری تعاریف و مفاهیم مطرح شده در دوره‌های گوناگون و مقایسه آن‌ها با آنچه امروزه به‌عنوان فضای عمومی در شهرها مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که این فضاها حتی در معیارهای اولیه نظیر ارتباط با شهروندان، شیوه دسترسی و نوع مدیریت در زمره فضاهای عمومی شهری قرار نمی‌گیرند و توانایی ارتقای جوانب اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی زندگی انسان‌ها را نخواهند داشت. برخی از این فضاها با نگاه تک‌بعدی، که عمدتاً اقتصادی است، توسط برخی اشخاص یا نهادها به سرمایه‌گذاری در نقاط مختلف شهر پرداخته و با تمرکز بر جذابیت‌های ظاهری، فضاهایی همگن را به تقلید از سایر کشورها به مردم تحمیل می‌کنند. این درحالی است که در برخی کشورها فضاهای عمومی شهری حقیقی نیز نتوانسته‌اند با حفظ رسالت خویش به رقابت با این، به اصطلاح، شبه‌فضاهای عمومی پردازند و رفته‌رفته در جوامع رنگ باخته‌اند. در فضاهای عمومی شهری عصر حاضر، مفهوم جامعه، آن‌گونه که باید، در ارتباط افراد با یکدیگر و با فضا شکل نگرفته است. شاید دلیل اصلی آن را بتوان در بعد قرارداد (حقوق و مسئولیت‌ها) و شیوه کنترل و مدیریت فضاها دانست که تحت کنترل پارادایم‌هایی چون مدرنیزاسیون و جهانی‌سازی و هم‌چنین عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی قرار گرفته و نتوانسته‌اند در شهرها فضاهای عمومی حقیقی را ایجاد و مدیریت کنند. لیکن این بدین معنا نیست که هیچ‌یک از فضاهای عمومی شهری موجود ویژگی‌ها و معیارهای لازم را ندارند؛ آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد دست‌یافتن به تعریفی است که فضاهای عمومی شهری در عصر حاضر می‌توانند داشته باشند نه صرفاً بیان ایده‌آلهایی که نظریه‌پردازان به آن پرداخته‌اند و می‌پردازند و شاید هیچ‌گاه به‌طور کامل در طول تاریخ تحقق پیدا نکرده‌اند. لذا می‌توان تعریف و تحلیل زیر را با دیدگاه انتقادی برای فضاهای عمومی شهری تهران امروز در نظر گرفت:

فضاهای عمومی شهری تهران امروز فضاهایی هستند که بر اثر عوامل گوناگون دچار مسائل و مشکلات متعددی شده‌اند و به‌نوعی در مرحله گذار قرار گرفته‌اند. این فضاها هنوز نتوانسته‌اند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند؛ به‌طوری‌که در برقراری ارتباط با مخاطب دچار مشکل جدی هستند، با بستر و زمینه‌ای که در آن قرار دارند بیگانه‌اند، و قوانین و سیاست‌های حاکم متعادل و متناسبی ندارند. به‌طور کلی به‌رغم آن‌که ممکن است انواع گوناگونی از جمله فضاهای سبز، پارک‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها، و ... را در برگیرند، لیکن هنوز طبقه‌بندی منسجم و هماهنگی نداشته و نتوانسته‌اند پاسخ‌گوی نیازهای انسان در ابعاد مختلف زندگی باشند. فضاهای عمومی شهری تهران امروز از جهت کالبدی و فیزیکی با

تکرار الگوهای سایر کشورها بدون توجه به بستر و زمینه خود، شانس خود را برای تبدیل به فضایی که بتوانند با مخاطب خود ارتباطی دائمی برقرار کنند از دست داده‌اند. این فضاها نتوانسته‌اند آن‌گونه که باید ارتباطات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی را در جامعه شکل دهند و تقویت کنند. شیوه مدیریت و کنترل و نظارت ناهماهنگ و نامتناسب با برخی انواع فضای عمومی باعث شده است که مطلوبیت کافی نداشته باشند. گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و بازار آزاد باعث شکل‌گیری فضاهایی تجاری‌سازی شده با الگوهایی تکراری و وابسته به مالکیت خصوصی شده که به دلیل عدم هماهنگی با اهداف فضاهای عمومی شهری، مشکلات جدی در موفقیت این فضاها ایجاد کرده است. می‌توان گفت در عصر حاضر، بزرگ‌ترین چالشی که در این فضاها وجود دارد نبود «تعادل و عدالت» در ابعاد و مقوله‌های گوناگون است. فضاهای عمومی شهری تهران را نمی‌توان فضاهایی «متعادل» و «عادلانه» دانست؛ زیرا فضایی که هنوز به درجه نهایی از کیفیت، رضایت، و مطلوبیت نرسیده است، نمی‌تواند فضایی در نظر گرفته شود که در همه جوانب و مقوله‌ها «تعادل و عدالت» را برقرار کرده باشد. البته بحث در این خصوص نسبی است و نمی‌توان در دنیای واقعیت فضایی را یافت که از هر لحاظ کاملاً ایده‌آل به نظر آید. در مورد فضاهای عمومی تهران نیز، همان‌گونه که در بخش مربوط به هر مقوله شرح آن رفت، ضعف‌های بسیاری وجود دارد که با تلاش برای متعادل و عادلانه کردن فضا در زمینه‌ها، سطوح، و ابعاد گوناگون مسئله می‌توان به تدریج بر آن غلبه کرد. شایسته است فضای عمومی شهری تهران فضایی باشد که در زمینه تمامی ابعاد و مقوله‌ها متعادل و عادلانه گردد؛ فضایی که بتوان آن را فضایی برابر، آرام، متنوع، آگاهی‌بخش، آزاد، و هماهنگ دانست که بتواند با ایجاد حس تعلق، هویت جمعی، تصویر ذهنی و معنا، با مخاطبان خود ارتباط و تعاملی عمیق و پایدار برقرار کند، تمامی نیازها و علایق حقیقی آن‌ها را پاسخ‌گو باشد و در نهایت فضایی سرشار از حضور، فعالیت، خلاقیت، نوآوری، پویایی، و سرزندگی را به ارمغان آورد. چنین فضایی خواهد توانست تجربه روزانه زندگی عمومی شهری را برای مخاطبانش فراهم کند، آن‌ها را به درجه مناسبی از رضایت و مطلوبیت برساند، و فضایی موفق نامیده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری بهاران تنکابنی با عنوان *بازشناسی فضاهای عمومی شهری تهران در عصر حاضر: گونه‌شناسی توصیفی و رویه‌ای* است که به راه‌نمایی دکتر پویان شه‌بایان و مشاوره دکتر آتوسا مدیری در واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده است.

۲. مفاهیم با سطح بالای انتزاع که از مجموعه‌ای از مفاهیم سطح پایین برحسب ویژگی‌های مشترک استخراج شده‌اند را مقوله یا تم می‌نامند. مقوله‌ها تحلیل‌گر را قادر می‌سازند تا داده‌ها را تقلیل داده و ترکیب کنند. هر مقوله می‌تواند سه عنصر بعد، محتوا، و الگو داشته باشد (محمدپور ۱۳۹۲ الف: ۳۲۹).

۳. برای مطالعه بیشتر درباره این مفاهیم، بنگرید به براتی و دیگران ۱۳۹۲؛ بلیکی ۱۳۹۶.

۴. برای مطالعه در حوزه روش نظری مبنایی، بنگرید به سعیدی رضوانی و دیگران ۱۳۹۴؛ محمدپور ۱۳۹۲ الف؛ فراست‌خواه ۱۳۹۵؛ Somekh and Lewin 2006; Corbin and Strauss 2015; Charmaz 2006; Glaser 1998; 2005.

۵. برای مطالعه بیشتر در این حوزه، بنگرید به محمودپور ۱۳۹۳؛ دانشپور و چرخچیان ۱۳۸۶؛ شولتر ۱۳۹۴؛ ماجدی و دیگران ۱۳۹۰؛ شفتو ۱۳۹۰؛ مدنی‌پور ۱۳۸۷؛ گلکار ۱۳۹۳: ۴۰۲، ۴۱۰؛ توسلی ۱۳۹۳؛ توسلی ۱۳۹۰؛ بحرینی ۱۳۹۳؛ مسعود لواسانی ۱۳۹۳؛ اهری و حبیبی ۱۳۹۴؛ پاکزاد ۱۳۹۵؛ ذکاوت ۱۳۹۵: ۲۱۲-۲۱۳؛ گل ۱۳۸۹؛ پامیر ۱۳۹۴؛ Goodman 1968; Lennard and Lennard 1984; Walzer 1986; Lang 1987; Brill 1989; Habermas 1991; Habermas 1984; Krier 1991; Nasri and Imani kolouri 2015; Tibbalds 1992; Carr et al. 1993; Carr et al. 1992; Taylor 1995; Zukin 1996; Mitchell 1996; Mitchell 2003; Arendt 1998; Hajer and Reijndrop 2001; Madanipour 1996; Harnik 2003; Goodsell 2003; Kohn 2004; Brown 2006; Mensch 2007; Gehl 1996; Gehl 2010; Gehl 2002; Orum and Neal 2010; Carmona et al. 2004; Carmona 2010.

۶. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به کرمانا و دیگران ۱۳۹۶؛ کرمانا و دیگران ۱۳۹۴؛ Platt 1976.

۷. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به مسعود لواسانی ۱۳۹۳؛ اشرفی و پوراحمد ۱۳۹۴؛ محمودپور ۱۳۹۳؛ بصیری مزدهی و خلیجی ۱۳۸۹؛ مرادی ۱۳۸۶؛ Spocter 2005; Abdulkarim 2004; Carmona 2010; Gehl 2010.

۸. به‌منظور دسته‌بندی مناطق شهری تهران به سه طبقه بالا، وسط، و پایین شهر از میزان توسعه‌یافتگی مناطق شهرداری تهران استفاده می‌شود؛ بدین ترتیب که از نتایج چند پژوهش انجام‌شده با هدف امتیازدهی به میزان توسعه مناطق مختلف شهر تهران بر مبنای شاخص‌های استخراج‌شده، بهره گرفته شده است.

کتاب‌نامه

اشتراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰)، اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی، رویه‌ها، و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اشرفی، یوسف و احمد پوراحمد (۱۳۹۴)، مدرنیته و تحولات فضای عمومی شهری، تهران: پژوهشکده فرهنگ، هنر، و معماری جهاد دانشگاهی.

- اهری، زهرا و سیدمحسن حبیبی (۱۳۹۴)، میدان بهارستان: تجربه نووارگی در فضای شهری ایرانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آذری، نرگس (۱۳۹۲)، تجربه مدرنیته به روایت فضاهای تجاری شهر تهران، تهران: تیسرا.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۹۳)، تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی، تهران: دانشگاه تهران.
- براتی، ناصر، زهره داوودپور، و مرجان منتظری (۱۳۹۲)، روش تحقیق در مطالعات محیطی، تهران: ساکو.
- بصیری مؤدبی، رضا و کیوان خلیجی (۱۳۸۹)، «فضای عمومی، ماهیتی پیچیده و چندمفهومی، پیش‌نهادی چندوجهی برای گونه‌بندی فضاهای عمومی»، منظر، ش ۷.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۶)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۵)، داستان تهران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران: شهیدی.
- پامیر، سایریل بی (۱۳۹۴)، آفرینش مرکز شهری سرزنده: اصول طراحی شهری و بازآفرینی، ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- توسلی، محمود (۱۳۹۰)، طراحی شهری؛ هنر نوکردن ساختار شهر هم‌راه با چهار نمونه موردی، تهران: خانه چاپ و طرح.
- توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۹۳)، طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهر، تهران: شهیدی.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۳)، قصه شهر؛ تهران، نماد شهر نوپرداز ایرانی (با تأکید بر دوره ۱۲۹۹-۱۳۳۲)، تهران: دانشگاه تهران.
- دانشپور، سیدعبدالهادی و مریم چرخ‌چیان (۱۳۸۶)، «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی»، باغ نظر، ش ۷.
- ذکاوت، کامران (۱۳۹۵)، ابعاد سازنده کیفیت محیط در طراحی شهری: مقدمه‌ای بر روش‌ها و فنون طراحی شهری، تهران: آذرخش.
- راست‌بین، ساجد و دیگران (۱۳۹۱)، «رابطه هم‌بستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان)»، باغ نظر، ش ۲۱.
- سرور، رحیم و مهدی امینی (۱۳۹۲)، راه‌نمای تحلیل اجتماعی از شهر، تهران: تیسرا.
- سعیدی رضوانی، نوید و دیگران (۱۳۹۴)، روش تحقیق در مطالعات شهری، مشهد: کتابکده کسری.
- شفتو، هنری (۱۳۹۰)، فضاهای شهری دوستانه، خلق مکان‌های عمومی تأثیرگذار، ترجمه سیامک پناهی و آرمان کیانیان، تهران: ادیبان.
- شولتز، کریستیان نوربری (۱۳۹۴)، مفهوم سکونت به‌سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، تهران: آگه.

- فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه برپایه» (گراندد تئوری GTM)، تهران: آگاه.
- کرمونا، ماتیو، کلودیو دی ماگالئس، و لئو هاموند (۱۳۹۶)، فضای عمومی: ابعاد مدیریتی، ترجمه ایرج اسدی و مهدی عباس‌زاده، تهران: سمت.
- کرمونا، ماتیو و دیگران (۱۳۹۴)، مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه فریبا قرائی و دیگران، تهران: دانشگاه هنر.
- گل، یان (۱۳۸۹)، فضاهای عمومی و زندگی جمعی، شهر آدلاید: ۲۰۰۲، ترجمه علی غفاری و محمدصادق سهیلی‌پور، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گل، یان (۱۳۹۴)، شهر انسانی، ترجمه علی غفاری و لیلا غفاری، تهران: علم معمار.
- گلکار، کوروش (۱۳۹۳)، آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ماجدی، حمید و دیگران (۱۳۹۰)، «بازتعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حداقل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر)»، دوفصل‌نامه مدیریت شهری، ش ۲۷.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای)، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضد روش ۱: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، ج ۱، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمودپور، نسرین (۱۳۹۳)، درآمدی بر برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری با نگاهی به بوستان‌های شهر تهران، تهران: آذرخش.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مرادی، سلمان (۱۳۸۶)، «هنر عمومی و تلفیق آن در فضای شهری»، باغ نظر، ش ۸.
- مسعود لواسانی، منا (۱۳۹۳)، «ردپای زندگی در شهر، مفهوم فضای جمعی در شهرهای هند»، فصل‌نامه هنر و تمدن شرق، س ۲، ش ۶.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۴)، نمادهای هویتی شهر تهران، تهران: سازمان زیباسازی شهر تهران.
- مهدی‌زاده، جواد (۱۳۹۲)، «فرهنگ و شهر؛ از جهانی‌شدن فرهنگی تا فرهنگی‌شدن شهر»، جستارهای شهرسازی، ش ۴۱، ۴۲.

Abdulkarim, Dina (2004), *Experts' Evaluations of the Production and Use of Public Spaces in Amman, Jordan*, Master Degree Thesis, University of Cincinnati.

Akkarercan, Z. Muge (2007), "Public Spaces of Post Industrial Cities and their Changing Roles 1", *Metu Jfa*, no. 24.

- Arendt, Hannah (1998), *The Human Condition*, 2nd edition, Chicago: The University of Chicago Press.
- Brill, Michael (1989), "Transformation, Nostalgia, and Illusion in Public Life and Public Place", in: Irwin Altman and Ervin H. Zube, *Public Places and Spaces, Human Behavior and Environment Book Series*, vol. 10, New York: Plenum Press.
- Brown, Alison (2006), *Contested Space: Street Trading, Public Space, and Livelihoods in Developing Cities*, Rugby: ITDG Publishing.
- Carr, Stephen et al. (1992), *Public Space*, London: Cambridge University Press.
- Carr, Stephen, Mark Francis, Leanne G. Rivlin, and Andrew M. Stone (1993), *Public Space*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Carmona, Matthew (2010), "Contemporary Public Spaces: Critique and Classification, Part One: Critique", *Journal of Urban Design*, vol. 15, no. 1.
- Carmona, Matthew (2010), "Contemporary Public Spaces: Critique and Classification, Part Two: Classification", *Journal of Urban Design*, vol. 15, no. 2.
- Carmona, Mathew et al. (2004), *Living Places: Caring for Quality*, The Bartlett School of Planning, London: UCL Office of the Deputy Prime Minister.
- Carmona, Mathew et al. (2003), *Public Spaces, Urban Spaces: The dimensions of Urban Design*, Oxford: Architectural Press.
- Charmaz, Kathy (2006), *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*, London: SAGE.
- Corbin, M. Juliet and Anselm L. Strauss (2015), *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, London: SAGE.
- Gehl, Jan (2010), *Cities for People*, Copenhagen: Island Press.
- Gehl, Jan (1996), *Life Between Buildings: Using Public Space*, Skiv: Arkitektens Forlag.
- Gehl, Jan (2002), *Public Spaces and Public Life: City of Adelaide*, Adelaide: Planning SA.
- Glaser, Barney G. (1998), *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*, California: Sociology Press.
- Glott, Gustave (1965), *The Greek City and its Institutions*, trans. N. Mallinson, London: Routledge and Kegan Paul.
- Goodman, William and Eric Freund (1968), *Principles and Practice of Urban Planning*, Washington: International City Managers Association.
- Goodsell, Charles T. (2003), "The Concept of Public Space and Its Democratic Manifestations", *The American Review of Public Administration*, vol. 33.
- Habermas, Jurgen (1991), *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry in to a Category of Bourgeois Society*, Massachusetts: Cambridge MIT Press.
- Habermas, Jurgen (2001), *The Theory of Communicative Action*, Boston: Beacon Press.
- Hajer, Maarten. A. and Arnold Reijndrop (2001), *In Search of New Public Domain: Analysis and Strategy*, Rotterdam: Nai Publisher.
- Harnik, Peter (2003), *The Excellent City Park System: What Makes it Great and How to Get there*, Washington D.C.: The Trust for Public Land.

- Kohn, Margaret (2004), *Brave New Neighbourhoods: The Privatization of Public Space*, New York and London: Routledge.
- Krier, Rob (1991), *Urban Space*, 5th edition, Britain: Academy Edition.
- Lang, Jon (1967), *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*, New York: Van Nostrand Reinhold Co.
- Lawrence, Arnold Walter and Richard Allan Tomlinson (1996), *Greek Architecture*, London: Yale University Press.
- Lennard, Suzanne Heather Crowhurst and Henry L. Lennard (1984), *Public Life in Urban Places: Social and Architectural Characteristics Conducive to Public Life in European Cities*, Southampton: Gondolier Press Imcl Council.
- Lopes, Miguel Nogueiraand and Ana S. Camanho (2013), "Public Green Space Use and Consequences on Urban Vitality: an Assessment of European Cities", *Springer*, vol. 113, no. 3.
- Madanipour, Ali (1996), *Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process*, Hoboken, New Jersey: John Wiley and Sons.
- Madanipour, Ali (1999), "Why are the Design and Development of Public Spaces Significant for Cities?", *Environment and Planning B, Planning and Design*, vol. 26.
- Mensch, James (2007), "Public Spaces", *Continental Philosophy Review*, vol. 40, Issue 1.
- Mitchell, don (1996), "Introduction: Public Space and The City", *Urban Geography*, vol. 17.
- Mitchell, Don (2003), *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*, New York: Guilford Press.
- Mumford, Lewis (1961), *The City in History: Its Origins, its Transformation and its Prospects*, New York: Harcourt, Brace and World.
- Nasri, Seyed Reza and Sara Imani Kolouri (2015), "Evaluation of Effective Factors on Vitality of Public Spaces of New Cities with Emphasis on Identity Concept", *Science Journal (CSJ)*, vol. 36, no. 6.
- Orum, Anthony M. and Zachary P. Neal (2010), *Common Ground?: Readings and Reflections on Public Space*, New York: Taylor and Francis.
- Platt, Colin (1976), *The English Medieval Town*, London: McKay.
- Saalman, Howard (1968), *Medieval Cities*, London: Studio Vista.
- Sennett, Richard (1977), *The Fall of Public Man*, New York: Knopf.
- Sitte, Camillo (1986), *City Planning According to Artistic Principles*, New York: Rizzoli.
- Somekh, Bridget and Cathy Lewin (2005), *Research Methods in the Social Sciences*, London: Sage.
- Spocter, Manfred Aldrin (2005), *The 'Silent' Privatisation of Urban Public Space in Cape Town, 1975- 2004*, Mini-Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of MA, University of the Western Cape.
- Taylor, Charles (1995), "Liberal Policies and the Public Sphere", *Centre for the Study of Global Governance, London: School of Economics and Political Science*.

Tibbalds, Francis (1992), *Making People Friendly Towns: Improving the Public Environments in Towns and Cities*. Harlow: Longman Press.

Walzer, Michael (1986), "Public Space: Pleasure and Costs of Urbanity", *Dissent*, no. 33.

Zukin, Sharon (1996), *The Cultures of Cities*, New York: Wiley-Blackwell.